

علوم و فنون نازدهم درس نهم استعاره

کاری از ماندانا مهتاب منطقه 4 تهران

تعریف استعاره

استعاره تشبیهی است که یکی از دو طرف آن (مشبه یا مشبه به) با وجودنشانه یا سر نخى که ذهن خواننده را از معنی حقیقی به معنی مجازی برساند حذف شده باشد.

ارزش استعاره از تشبیه بیشتر است

۱ **مشبّه** (چیزی که به چیز دیگر ، شباهت داده شده است.)

۲ **مشبّه به** (رکن دوم که رکن اول به آن شباهت داده شده است .)

۳ - **وجه شبه** (صفت یا حالت مشترک بین مشبّه و مشبّه به می باشد .)

۴ **ادات تشبیه** (کلماتی که ارکان تشبیه را به هم ربط می دهد ؛
از جمله : مثل ، مانند ، چون و ...)

انواع استعاره

۱ - استعاره مصرحه

۲ - استعاره مكنيه

۱ - تشخيص

۲ - غير تشخيص

۳ - اضافه استعارى



چگونه میتوان استعاره مکنیه از مصرحه تشخیص داد؟

خیلی خلاصه و کلی در پاسخ این پرسش باید عرض کنم که، استعاره مصرحه همیشه "یک کلمه" است

اما استعاره مکنیه {صرف نظر از اضافه ی استعاری که خود نیز استعاره مکنیه است} همیشه "یک جمله" است.

پس برای یافتن استعاره مصرحه در یک جمله یا مصرع باید دنبال **یک کلمه** گشت و برای یافتن استعاره مکنیه همیشه باید **یک جمله** را در نظر گرفت



مثال:

شیری را دیدم که شمشیر می زند.

شیر استعاره از فرد شجاع

در استعاره ساختمان تشبیه به هم
می خورد و تشبیه تبدیل به استعاره
می شود .

مثال:

هزاران نرگس از چرخ جهانگرد
فرو شد تا برآید یک گل زرد (نظامی)



گل زرد به
خورشید



چرخ جهانگرد
به آسمان



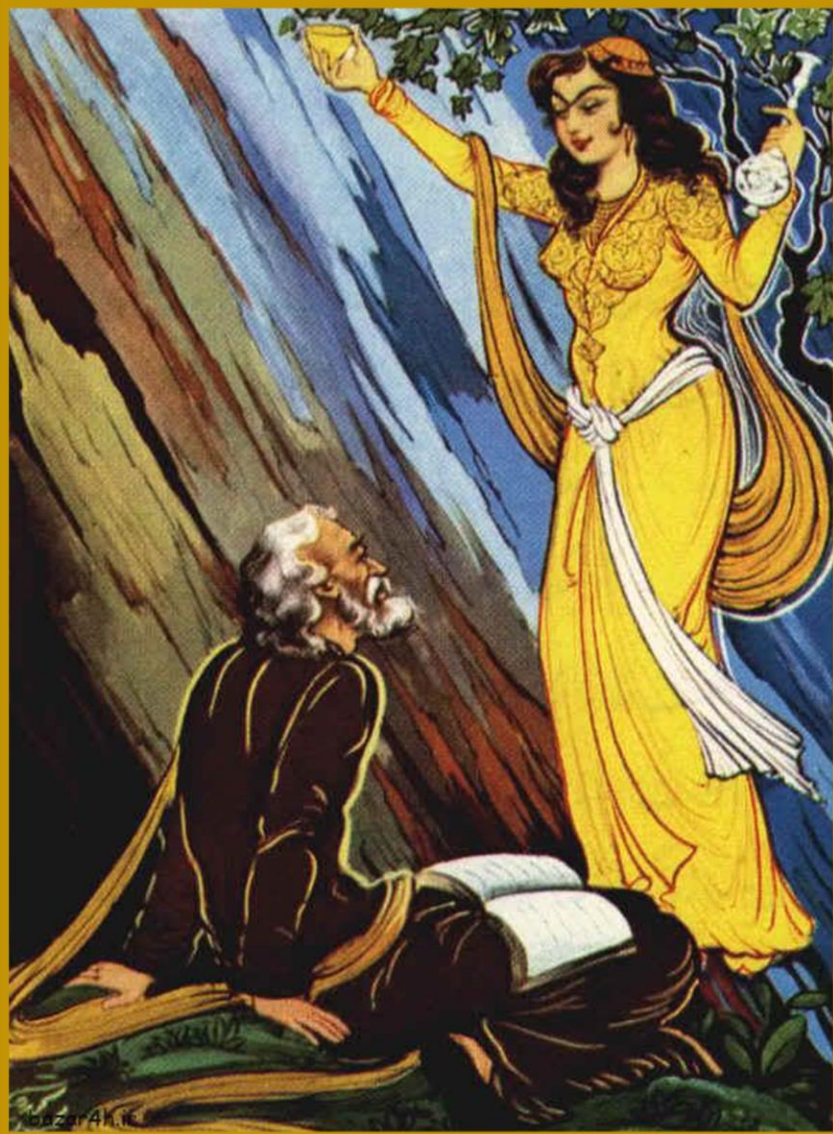
نرگس به
ستاره

گفتا که مرو به غربت و می بارید
از نرگس تر به لاله بر مروارید

در این بیت: نرگس و لاله
و مروارید در معنی اصلی
خود بکار نرفته اند بلکه:

نرگس به چشم
لاله به چهره زیبا
مروارید به اشک





مرا در خانه سروی هست، کاندر سایه ی قدش
فرغ از سرو بستانی و شمشاد چمن دارم " حافظ "

در این بیت "سروی" یک تشبیه است که همه پایه های تشبیه
آن حذف و فقط "مشبه به" باقی مانده است.
می توان این تشبیه را اینگونه نوشت:

"من در خانه همسری دارم که همچون سرو بلند قامت است"

ملکا، مہا، نگارا، صنما، بتا، بہارا
متحریم، ندانم کہ تو خود چہ نام داری «سعدی»

ہمگی استعارہ مصرحہ از محبوب



استعاره مکنیه

۱- تشخیص نسبت دادن خصوصیت انسان به غیر انسان که مشبه به محذوف آن انسان باشد
مثال: ای صبحدم

۲- غیر تشخیص مشبه به محذوف آن غیر انسان باشد مثال: عشق باریده بود

۳- اضافه استعاری شبیه اضافه تشبیهی است با این تفاوت که به جای مشبه به ویژگی مشبه به یا وجه شبه آمده است.

استعاره مکنیه و تشخیص

- نسبت دادن خصوصیت انسان به غیر انسان که مشبه به محذوف آن انسان باشد

- (۱) مشبه (چیزی که به چیز دیگر ، شباهت داده شده است.
- (۲) مشبه به (رکن دوم که رکن اول به آن شباهت داده شده است .
- (۳) وجه شبه (صفت یا حالت مشترک بین مشبه و مشبه به می باشد .)
- (۴) ادات تشبیه (کلماتی که ارکان تشبیه را به هم ربط می دهد ؛ از جمله : مثل ، مانند ، چون و ...

استعاره مکنیه

مشبه به همراه یا ویژگی مشبه می آید .

هر تشخیصی نوعی استعاره مکنیه است اما برعکس آن صادق نیست



مثال:
گل ها می خندند

در اصل گلها مانند انسان
می خندند (تشخیص)



آسمان تعطیل است

بادها بیکارند (تشخیص)

ابرها خشک و خسیس (تشخیص)

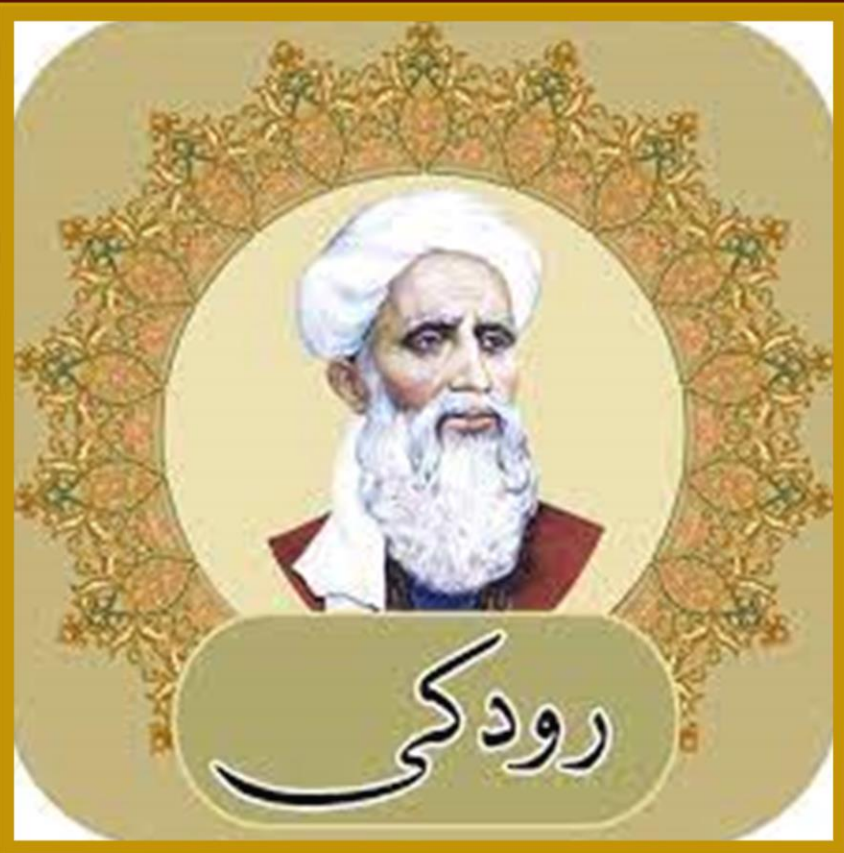
هق هق گریه خود را خورند. (تشخیص)

(همگی استعاره مکنیه اند)

– ای بخارا، شاد باش و دیر زی میر زی تو شادمان آید همی «رودکی»

استعاره مکنیه (تشخیص)

مورد خطاب قرار دادن و نسبت دادن شادی و عمر طولانی داشتن از ویژگیهای انسان که به بخارا نسبت داده شده، می باشد.



استعاره غیر تشخّیص :

مشبه به همراه وجه شبه یا ویژگی مشبه به می آید

اضافه استعاری غیر تشخیص

مشبه به محذوف آن غیر انسان است.

(۱۰٪ اضاف های استعاری اینگونه است و کلمه اول مربوط به غیر انسان است.)
مثال:

– کنگره ی (جزیی از کاخ) عرش

– سوز (جزیی از آتش) عشق

– بال (جزیی از پرنده) نسیم

– بوی (گل) جان

– عمق (دریا) وجدان



مثال:

"سوز عشق"

غير تشخيص



عشق باریده بود

(عشق مانند باران باریده بود)

اضافه استعاری

گاه نیز مشبه^۳ به حذف می شود و یک ویژگی از آن به مشبه^۳ اضافه میشود و به صورت ترکیب اضافی می آید. به این نوع اضافه، اضافه استعاری م میگویند.

روش تشخیص اضافه استعاری، سه شرط دارد :

۱- وجود (نقش نما) بین دو کلمه (اسم + اسم)

۲- کلمه اول رابطه جز به کل دارد و ما باید آن کل را پیدا کنیم .

۳- کلمه دوم رابطه "مانند" به آن کلمه کل را دارد .

← اضافه استعاری

مثال:

ریشه ی دوستی : دوستی مانند درختی است که ریشه دارد

پایه افکار : فکر مانند ساختمانی است که پایه و اساس دارد

عمق فکر : فکر مانند دریایی است که عمق دارد

چشم آسمان : آسمان مانند انسانی است که چشم دارد

نکته:

۹۰٪ از اضافه های استعاره تشخیص هم دارند یعنی کلمه اول مربوط به انسان است آنچه در اضافه استعاره مهم است رابطه بین جز به کل در کلمه اول است .

مثال:

دلِ عالم - دلِ باغ - دوشِ ناله - دوشِ زمانه - دستِ هوا - دستِ شکوه - دهنِ لاله



مثال:

♦ "عشق سوزنده است"

در اصل: عشق مانند آتش سوزنده است

استعاره است اما تشخیص نیست

مثال:

"دیده عقل"

– عقل مانند انسانی است که دیده دارد

دیده = کل : انسان

۱- اگر کلمه بزرگتر انسان باشد تشخیص نیز می باشد

۲- اگر کلمه بزرگتر، غیر انسان باشد غیر تشخیص است

۳- در ۹۰٪ از اضافه های استعاری کلمه اول متعلق به انسان است و تشخیص

نیز می باشد .





مثال:

بالِ اندیشه

(اضافه استعاری)